



بهر روز صور اسرافیل

ابوریحان بیرونی

دانشمند آزاده

تألیف کرده است

ابوریحان بیرونی (۴۴۰-۳۱۲) بی هیچ شک و تردید، از نوابغ علما و اجله دانشمندان عصر خویش، بلکه تمامی طول تاریخ بوده است. این قولی است که نه تنها ما ایرانیان به دلیل تعلق وی به ایران یا فرور ملی بر آنیم، بلکه تصور نمی‌کنیم که شخص آشنا باحوال، افکار و ویژگیهای آثار ابوریحان بتواند عقیده‌ای جز این داشته باشد.

اهمیت این دانشمند نامدار هنگامی بر ما آشکارتر می‌شود که ببیندیشیم حتی امروز باوجود امکانات بسیار گسترده‌تر تحقیق و تتبع، دستیابی فوق‌العاده سهل‌تر به منابع و ابزارهای موردنیاز یک دانشمند، سهولت ارتباط و انتقال از اقلیمی به اقلیمی تو و بسیاری عوامل یاری‌دهنده دیگر، دانشمند به کسی اطلاق می‌شود که به کشف یا اختراع یا ابداع نظریه‌ای توفیق یابد. اما با این تعبیر از صفت «دانشمند» چگونه می‌توان قدر کسی را که در بیشتر علوم عصر خویش تبصر و احاطه داشته، و به این نیز اکتفا نکرده در تمام زمینه‌ها از دانش عصر خویش فراتر رفته است، شناخت و او را به گونه‌ای سزاوار مقام ارزشمندش ارجح نهاد.

نگاهی به مجموعه اکتشافات، فرضیه‌ها، ابداعات و نتایج ابوریحان ما را با موجود خارق‌العاده‌ای آشنا می‌سازد که در تمام طول حیات درخشان خویش لحظه‌ای از کوشش و پیوش برای یافتن حقایق علمی و مستند دست‌یابی به اطلاعاتی که تازمان وی تصورش نیز به اشکال امکان‌پذیر بود، بازماند. ابوریحان بر طبق سندی که از خود وی نقل شده، تا سال ۴۲۷ که شصت و پنج ساله بوده، یکصد و سی‌و‌هشت کتاب در زمینه‌های گوناگون علوم عملی و نظری

تتها برشردن عقیده‌هایی که وی در آنها تحقق و کوشش کرده و تازه‌هایی که به گنجینه دانش بشری افزوده، انسان را به بهت و حیرت فرومی‌برد. ابوریحان به زبان سانسکریت مسلط بوده و اطلاعات فوق‌العاده‌ای در زمینه فرهنگ هندوان، علوم و عقاید، تاریخ، فلسفه و ادب هند داشته است. در دانش حساب و هندسه و هیئت و نجوم کاملاً بصیر، در ساختن ابزارهای دقیق اخترشناسی و نجوم چون اسطرلاب و غیره استاد، در گاه شماری و تقویم‌نویسی و تطبیق و مقایسه گاه‌شماری‌های ملل مختلف متبحر، در فلسفه و قوانین دینی و اجتماعی صاحب‌نظر، در علم فیزیک کم‌نظیر، در زمین‌شناسی صاحب‌نظر، در کتب‌شناسی دقیق و وارد، و حتی در زمینه‌هایی چون دارو شناسی، لغت شناسی، جغرافی، ادبیات، علوم انسانی، ترجمه و بسیاری رشته‌های دیگر سرآمد هم‌عصران خویش بوده است. چنین مجموعه کامل و جامعی از علم و خرد در طول تاریخ کمتر دیده شده است!

اما ارزش این دانشمند بلندمرتبت ایرانی تنها به نوآوریهای علمی و فنی او نیست. ابوریحان نمونه کاملی از اعتقاد به روشهای علمی، متکی به اخلاق خاص و لازم برای جستجوی حقیقت و دانش و سرمشق بی‌نقصی برای طالبان تحقیق و تتبع در زمینه‌های گوناگون بشمار می‌رود. از ویژگیهای ممتاز کار وی، آن است که هرگز تعصبات و نظرات شخصی یا کینه‌هایی را که به جهات گوناگون ملل و جوامع نسبت به یکدیگر دارند، در تحقیقات و نتایج علمی خویش دخالت نمی‌دهد. نمونه درخشان این‌بی‌نظری و بی‌طرفی علمی را در تحقیقات ابوریحان درباره هند می‌توان دید.

داستان آشنایی ابوریحان با هند و هندوان از ملازمت سلطان محمود در کشور گشائی های متعدد وی به آن کشور آغاز می شود. اما، حتی جنگ نمی توانست مانع از برقراری ارتباط فکری مستحکمی که تا پایان عمر میان ابوریحان و فلاسفه و دانشمندان هندوستان دوام یافت گردد. علاقه و بی نظری شگفت آور وی در مسائل علمی تا بدان حد بود که حتی اگر مسئله جالب توجهی در میان دشمنان (که با توجه به شرایط زمان، هندوان بودند) نیز می یافت از غور و تفحص در باره اش اباثی نداشت. این را باسانی می توان دریافت که مجالست و محاکات با کسانی که سلطان محمود به قصد شکست و هزیمتشان کمر بسته بود، تا چه حد خطرناک و نیازمند شجاعت بوده است. (زاخو) دانشمند معروف آلمانی در مقدمه ای که بر ترجمه انگلیسی کتاب (ماللهند...) نوشته متذکر می شود که (شاید اشتراک تکدیری که هندوان و ابوریحان از سلطان محمود داشتند آنان را به هم نزدیک کرده باشد) زیرا چنانکه می دانیم سلطان محمود گاه گاه رفتاری که سزای ابوریحان بود پابوی نداشت و حتی چندی او را به حبس کشید. دشمنی هندوان با سلطان محمود نیز امری طبیعی بود زیرا وی گذشته از لشگر کشی و هجوم و غنائم سرشار معابد هند مانند (سومناث) را نیز تصرف نمود و به پایتخت خود انتقال داد.

از سوی دیگر، پرداختن به فرهنگ و دانش سرزمینی که مردمانش دینی بجز اسلام داشتند و بهر طریق، از نظر گاه مسلمین کافر بودند، بوسیله ابوریحان که از پیروان دیانت اسلام بود تنها با روش زمینی خاص، دوری از جهل و تعصب و ایمان به دست آوردهای فکری و علمی بزرگی ممکن است که در هر کسی یافت نمی شود.

بهر حال، ابوریحان با دانشمندان و حکمای هند معاشرت و نزدیکی نمود و از منابع غنی علوم هند خصوصا در زمینه علوم طبیعی، ریاضی، جغرافیا، تاریخ و نجوم توشه برگرفت. در این آشنائی، سرهان دیگری بر عظمت روح این دانشمند ایرانی به ظهور رسید و آن آموختن زبان مانسگری بود. پیش از ابوریحان کمتر دانشمندی حاضر شده بود به دلیل تحقیق و تفحص در علوم سرزمینی دیگر، رنج آموختن زبان آن بوم را بر خود عموماً کند. حتی ابوعلی سینا نیز چنین نکرد، اما ابوریحان حکایت دیگری بود. نتیجه این آشنائی عمیق با زبان، فرهنگ و دانش هند منجر به نگارش کتب متعددی شد (در حدود ۱۷ کتاب) که از آن میان کتاب مشهور ماللهند من مقوله مقبولة فی العقل او مرفولة، در هشتاد فصل مهمترین است. این کتاب که در آن به تفصیل از عقاید، آداب و رسوم، فرهنگ و دانش هند و هندوان سخن به میان رفته و فلسفه و دین و معارف آن سرزمین از دیدگاه انتقادی بر رسیده شده، تا امروز اعتبار و مقام شامخ خود را حفظ کرده است. کتاب «ماللهند...» گذشته از محتوا، نمودار خوبی نیز از طریق علمی تحقیق و کنجکاوی و دقت در گردآوری اطلاعات و نگارش است.

از نظر ابوریحان، در میان هندوان فیلسوفانی برجسته، ریاضی دانانی بزرگ و منجمانی عالیقدر وجود داشت. که در علوم گوناگون به درجه والا ئی دست یافته بودند. ابوریحان در نقل آثار اینان هر جا که به خطا یا عقیده نامتصوره برمی خورده آنها پنهان نمی دارد، ولی هیچگاه از تکریم و ستایش آنان خودداری نمی کند اگر چه گاهی خود را برتر از آنان می انگارد هرگز این مساله را با تخفیف قدر آنان عنوان نمی نماید. باز «زاخو» در مقدمه تحقیق ماللهند می نویسد: «او هم در مورد خود و هم دیگران قاضی سخت گیری است، خود انسان صادقی است و از دیگران نیز توقع همین صداقت و خلوص را دارد. هر گاه موضوعی را کاملا درک نمی کند، یا تنها قسمتی از آنرا درمی یابد، از جهل خویش پوزش می طلبد و گرچه پنجاه ساله است قول می دهد که کوشش های خود را ادامه دهد و نتایج آنرا بموقع منتشر کند. گوئی مسئولیتی اخلاقی در برابر اجتماع دارد.»

ابوریحان همواره حدود معلومات خود را برای خوانندگانش روشن می کند و هرگز از آن نسته نیست که از اعتراف به جهل خود طفره می روند. و معتقد است که آموختن ثمره تکرار و تجربه است، و این اعتقادگاه حتی او را به زیاد روی در تکرار آزمایشها می کشاند. از آن گذشته شخصیت والایش او را از به کار بردن کلمات و اصطلاحات درشت و خشن برکنار می دارد. در نوشته هایش هرگز به لفاظی نمی پردازد و جایی که يك کلمه کفایت یا کلمات بسیار درافزون به مطلب نمی پردازد.

از شیوه های پسندیدهای که در تحقیقات اجتماعی وی به چشم می خورد (و نمونه ی بسیار روشن و کامل آن باز کتاب ماللهند است) عدم دخالت در واقعات یا تطبیق حقایق با سلیقه ها و نظرات خویش است. در ماللهند شیوه ابوریحان این نیست که خود سخن بگوید، بلکه به هندوان فرصت می دهد که چنین کنند و نقل قولهای بسیاری از نویسندگان هندی می آرد. او مظهری از تمدن هند در برابر خوانندگان می گذرد که خواه هندوان تصور کرده اند... با این وجود هنگامی که در برابر رسوم و اعتقادات کهن یا رایج قرار می گیرد، چندان به آسانی نمی گذرد، بلکه تنها اصول و روشی را می پذیرد که با قوانین طبیعی و علمی مطابقت داشته باشد.

چندان که از روایات برمی آید، ابوریحان بیرونی نه تنها در مقام دانش و پیش برآمد عالمان زمان خویش و قرون متناهی تمدن ایرانی و اسلامی است بلکه انسانی بلند طبع و وارسته نیز هست. هنگامی که «قانون مسعودی» را به اتمام آورد سلطان مسعود قبلی با بار سیم به رسم صله پیش ابوریحان فرستاد. اما او نپذیرفت و گفت اشتغال به اندوختن مال و حراست آن کارهای علمی مرا دچار وقفه خواهد کرد. حتی هنگامی که در موقعیت خاص سیاسی قرار داشت از قبول مناصب اداری و دولتی امتناع کرد تا به تحقیقات و مطالعات علمی خویش بپردازد و تا واپسین دم حیات چنین کرد.

